

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره  
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

**۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴**

**۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰**

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های  
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق  
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: [nashrehoghoghepoya](#)

■ کانال تلگرام: [hoghoghepoyapub](#)

■ کانال پیام رسان بله: [pooya\\_law](#)

■ کانال پیام رسان سروش: [pooyalaw](#)

■ فروشگاه اینترنتی: [www.hpbook.ir](#)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# دستیار دادگاه حقوقی

جلد هشتم

ادله اثبات دعوا

مجید عطایی جنتی

(رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی)

مریم ذبیحی

(قاضی دادگستری)

دکتر فاطمه واحدی کبیری

(قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه)

سحر زارع خفری

نشر حقوق پویا

## فهرست مطالب

۱. مقدمه	۱۱
۲. مدیریت جلسه دادرسی	۱۱
۳. حالت‌هایی که ممکن است در جلسه اول دادرسی حادث گردد	۱۵
۱-۳. پرونده معد صدور رأی شود	۱۵
۲-۳. پرونده معد صدور رأی نشود	۱۶
۱-۲-۳. پرونده منجر به صدور قرار توقف دادرسی شود	۱۶
۲-۲-۳. پرونده منجر به صدور قرار اناطه شود	۱۹
۳-۲-۳. پرونده منجر به اتخاذ تصمیمات دیگری شود	۳۳
۴. تعریف دلیل	۳۴
۵. تشخیص دلیل از سبب دعوا	۳۶
۶. تفاوت رسیدگی به دلیل و ارزیابی دلیل با دلایل	۳۷
۷. وظیفه ارائه دلیل برعهده خواهان یا خوانده	۳۹
۸. قاعده منع تحصیل دلیل	۴۴
۹. تحصیل دلیل از طریق قانونی و شرعی	۵۳

۱۰. زمان ارائه دلیل ..... ۶۱

۱۱. دلیل یا عدم دلیل بودن لایحه ..... ۶۵

۱۲. ضمانت اجرای عدم ارائه دلیل ..... ۷۱

۱۳. انواع دلیل ..... ۷۲

۱۴. دلایل اثبات دعوا ..... ۷۵

۱-۱۴. اقرار ..... ۷۵

۱-۱-۱۴. اقرار وکیل علیه موکل ..... ۷۹

۲-۱-۱۴. معیار تشخیص اقرار قاطع از غیر قاطع ..... ۸۲

۳-۱-۱۴. موارد بلااثر شدن اقرار ..... ۸۵

۴-۱-۱۴. اثر اثباتی اقرار در دادگاه و خارج دادگاه ..... ۹۰

۵-۱-۱۴. اقرار مرکب و اقرار مقید ..... ۹۲

۵-۱-۱۴. اقرار در مرض منتهی به موت ..... ۹۴

۲-۱۴. اسناد ..... ۹۹

۱-۲-۱۴. ارائه اسناد به دادگاه ..... ۹۹

۲-۲-۱۴. اعتبار سند ..... ۱۰۳

۳-۲-۱۴. اعتبار اسناد در برابر اشخاص ثالث ..... ۱۰۴

۴-۲-۱۴. استناد به پیامک ..... ۱۰۸

۵-۲-۱۴. شرایط تحقق تعارض ..... ۱۰۸

۶-۲-۱۴. بررسی تعارض سند رسمی با سند رسمی ..... ۱۱۴

۷-۲-۱۴. بررسی تعارض سند رسمی با سند عادی ..... ۱۱۵

۸-۲-۱۴. تعارض سند عادی با سند عادی ..... ۱۱۹

۳-۱۴. شهادت ..... ۱۱۹

- ۱۲۰ ..... ۱۴-۳-۱. شرایط شاهد
- ۱۲۸ ..... ۱۴-۳-۲. تعداد شهود در دعاوی مدنی
- ۱۳۳ ..... ۱۴-۳-۳. جرح شاهد
- ۱۳۶ ..... ۱۴-۳-۴. نحوه جرح شاهد
- ۱۴۰ ..... ۱۴-۳-۵. نحوه تحقیق از شاهد
- ۱۴۵ ..... ۱۴-۳-۶. انضمام شهادت نامه
- ۱۵۱ ..... ۱۴-۳-۷. احضار و جلب شاهد
- ۱۵۳ ..... ۱۴-۳-۸. نمونه قرار استماع شهادت شهود
- ۱۴-۳-۹. نمونه قرار عدم نیاز به تعیین وقت رسیدگی در صورت کامل بودن استشهادیه ..... ۱۵۳
- ۱۴-۳-۱۰. نمونه سوالات از شاهد در دعوی نفقه و اعسار از پرداخت محکوم به ..... ۱۵۵
- ۱۴-۴. قرار تحقیق محلی ..... ۱۵۶
- ۱۴-۴-۱. شکستن قفل به منظور انجام معاینه محل ..... ۱۵۶
- ۱۴-۴-۲. اجرای قرار تحقیق محلی و معاینه محل توسط قاضی یا مدیر دفتر ..... ۱۵۹
- ۱۴-۴-۳. تهیه وسیله اجرای قرارهای معاینه و تحقیق محلی ..... ۱۶۳
- ۱۴-۴-۴. نمونه قرار تحقیق محلی و معاینه محل ..... ۱۶۷
- ۱۴-۵. قرار کارشناسی ..... ۱۶۸
- ۱۴-۵-۱. امتناع کارشناس از انجام کارشناسی به دلیل پآیین بودن دستمزد ..... ۱۶۸
- ۱۴-۵-۲. پرداخت دستمزد کارشناس خارج از مهلت ..... ۱۷۱
- ۱۴-۵-۳. عدم پرداخت ما به التفاوت هزینه کارشناسی توسط متقاضی ..... ۱۷۳

- ۱۴-۵-۴. ضمانت اجرای عدم تهیه وسیله اجرای قرار ..... ۱۸۳
- ۱۴-۵-۵. اعتبار نظریه کارشناسی در پرونده دیگر ..... ۱۸۴
- ۱۴-۵-۶. تکلیف دادگاه در خصوص عدم پرداخت هزینه کارشناسی هیئت سه نفره ..... ۱۸۷
- ۱۴-۵-۷. اعتبار نظریه تامین دلیل در پرونده دادگاه ..... ۱۸۹
- ۱۴-۵-۸. امکان صدور قرار کارشناسی هیئتی در بدو امر ..... ۱۹۱
- ۱۴-۵-۹. اعطای نیابت در قرار کارشناسی ..... ۱۹۳
- ۱۴-۵-۱۰. تفاوت نظریه‌های کارشناسی ..... ۱۹۶
- ۱۴-۵-۱۱. فاصله زمان نظریه کارشناسی تا زمان صدور رأی و تاثیر تورم در آن ..... ۱۹۸
- ۱۴-۵-۱۲. جلب نظر کارشناس با وجود اقرار در پرونده ..... ۱۹۹
- ۱۴-۵-۱۳. طریقت یا موضوعیت داشتن نظریه کارشناسی ..... ۲۰۱
- ۱۴-۵-۱۴. اعتراض به نظریه کارشناسی ..... ۲۰۳
- ۱۴-۵-۱۵. خبره یا رسمی بودن کارشناس ..... ۲۰۴
- ۱۴-۵-۱۶. عدم امکان اظهار نظر کارشناس در موضوع قرار کارشناسی ..... ۲۰۷
- ۱۴-۵-۱۷. استنکاف احدی از متداعیین از پرداخت هزینه کارشناسی به طور منصفه ..... ۲۱۰
- ۱۴-۵-۱۸. عدم حضور کارشناس در محل اجرای قرار کارشناسی ..... ۲۱۲
- ۱۴-۵-۱۹. ارجاع امر به کارشناس فاقد صلاحیت ..... ۲۱۴
- ۱۴-۵-۲۰. جهات عذر کارشناس ..... ۲۱۶
- ۱۴-۵-۲۱. الزام دادگاه به صدور قرار کارشناسی ..... ۲۲۰
- ۱۴-۵-۲۲. ذکر موضوع قرار کارشناسی به صورت مفصل ..... ۲۲۱
- ۱۴-۵-۲۳. قرار ارجاع امر به کارشناس رسمی یا خبره ..... ۲۲۲
- ۱۴-۵-۲۴. شرایط استفاده از کارشناس در حوزه قضایی دیگر ..... ۲۲۳

- ۱۴-۵-۲۵. پرداخت دستمزد کارشناس توسط وخواه ..... ۲۲۳
- ۱۴-۵-۲۶. تصمیم مقام قضایی در صورت عدم تهیه وسیله اجرای قرار  
کارشناسی ..... ۲۲۴
- ۱۴-۵-۲۷. پرداخت دستمزد کارشناس در دعاوی خانوادگی ..... ۲۲۵
- ۱۴-۵-۲۸. عدم نیاز به تعیین وقت رسیدگی در کارشناسی ..... ۲۲۶
- ۱۴-۵-۲۹. پرداخت دستمزد کارشناسی انضمامی ..... ۲۲۶
- ۱۴-۵-۳۰. تبعیت یا عدم تبعیت قاضی از نظریه کارشناسی ..... ۲۲۷
- ۱۴-۵-۳۱. ارجاع به کارشناسی قبل از شروع جلسه اول دادرسی ..... ۲۲۸
- ۱۴-۵-۳۲. تبعیت دادگاه از نظریه کارشناسی یک نفره یا هیئت سه نفره  
یا بالاتر ..... ۲۲۹
- ۱۴-۵-۳۳. نقش نظریه کارشناسی در خصوص حجر ..... ۲۳۰
- ۱۴-۵-۳۴. لزوم تعیین اموال موضوع کارشناسی در تنصیف دارایی زوج  
..... ۲۳۱
- ۱۴-۵-۳۵. حدود اختیارات قابل تفویض براساس نیابت قضایی  
در کارشناسی ..... ۲۳۱
- ۱۴-۵-۳۶. نوع رای در صورت عجز از معرفی زمین موضوع قرار  
کارشناسی توسط خواهان ..... ۲۳۲
- ۱۴-۵-۳۷. اثر عدم ارائه به موقع رسید پرداخت هزینه کارشناسی ... ۲۳۳
- ۱۴-۵-۳۸. تعارض شهادت شهود با نظریه کارشناسی ..... ۲۳۳
- ۱۴-۵-۳۹. افزایش مبلغ موضوع نظریه کارشناسی به ضرر معترض ..... ۲۳۴
- ۱۴-۵-۴۰. دعاوی ابطال گزارش نظریه کارشناسی ..... ۲۳۵
- ۱۴-۶-۱. سوگند ..... ۲۳۷
- ۱۴-۶-۱. لزوم یا عدم لزوم صدور قرار اتیان سوگند ..... ۲۳۸
- ۱۴-۶-۲. نمونه قرارهای اتیان سوگند ..... ۲۴۶

- ۱۴-۶-۳. اقسام سوگند ..... ۲۴۷
- ۱۴-۶-۳-۱. سوگند بتی ..... ۲۴۷
- ۱۴-۶-۳-۲. سوگند تکمیلی ..... ۲۴۷
- ۱۴-۶-۳-۳. سوگند استظهاری ..... ۲۴۹
- ۱۴-۶-۳-۴. صحت یا عدم صحت سوگند مدیرعامل شرکت ..... ۲۶۳
- ۱۴-۶-۳-۵. اعتبار یا عدم اعتبار سوگند خواهان در مرحله واخواهی ..... ۲۷۰
- ۱۴-۳-۳-۶. اعتبار یا عدم اعتبار سوگند ولی قهری ..... ۲۷۳
- ۱۴-۶-۳-۷. اتیان سوگند خوانده توسط دادگاه بدون درخواست خواهان ..... ۲۷۵
- ۱۴-۶-۳-۸. عدم حضور خوانده در جلسه اتیان سوگند ..... ۲۷۹
- ۱۴-۶-۳-۹. اتیان سوگند موضوع ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ..... ۲۸۰
- ۱۴-۶-۳-۱۰. سوگند خوانده یا خواهان و قابلیت تجدیدنظرخواهی آن ..... ۲۹۰
- ۱۴-۶-۳-۱۱. ارشاد قاضی مبنی تقاضای اتیان سوگند ..... ۲۹۳
- ۱۴-۶-۳-۱۲. استناد به سوگند در مرحله تجدیدنظر ..... ۲۹۵

### ۱۵. اماره ..... ۲۹۶

- ۱-۱۵. اماره قانونی ..... ۲۹۶
- ۱-۱-۱۵. اماره تصرف ..... ۲۹۶
- ۲-۱-۱۵. اماره اشتراک دیوار مابین دو ملک مجاور ..... ۲۹۷
- ۳-۱-۱۵. اماره فراش ..... ۲۹۷
- ۴-۱-۱۵. اماره توقف (ورشکستگی) ..... ۲۹۷
- ۵-۱-۱۵. اماره اعتبار امر مختومه ..... ۲۹۷
- ۶-۱-۱۵. اماره فوت غایب مفقودالاثَر ..... ۲۹۷
- ۲-۱۵. اماره قضایی ..... ۲۹۸
- ۱-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از ترک فعل ..... ۲۹۸
- ۲-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از شهادت فاقد شرایط ..... ۳۰۰



- ۳-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از اقرار فاقد شرایط ..... ۳۰۲
- ۴-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از تحقیق و معاینه محل ..... ۳۰۳
- ۵-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از عرف و عادات ..... ۳۰۳
- ۶-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از سند ..... ۳۰۵
- ۷-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات ..... ۳۰۶
- ۸-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از موضوع کیفری ..... ۳۰۷
- ۹-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از رابطه‌ی زوجیت ..... ۳۰۸
- ۱۰-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از کارشناسی ..... ۳۰۹
- ۱۱-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از ظاهر حال ..... ۳۱۱
- ۱۲-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از نظریه‌های حقوقی ..... ۳۱۲
- ۱۳-۲-۱۵. امارات قضایی ناشی از قرارداد و یا سایر روابط حقوقی ..... ۳۱۲
- ۱-۱۳-۲-۱۵. اماره قصد عاقد ..... ۳۱۲
- ۲-۱۳-۲-۱۵. اماره امانی بودن در مقابل استیجاری بودن ..... ۳۱۳
- ۳-۱۳-۲-۱۵. اماره تحلیل ماهیت قرارداد ..... ۳۱۳
- ۱۴-۲-۱۵. اماره قضایی ناشی از عمل، اظهار یا وضعیت شخص دارنده  
اماره یا طرف مقابل ..... ۳۱۵
- ۱-۱۴-۲-۱۵. اماره اطاله دادرسی ..... ۳۱۵
- ۲-۱۴-۲-۱۵. اماره مالکیت ناشی از پرداخت مالیات ..... ۳۱۵
- ۳-۱۴-۲-۱۵. اماره تناسب موضوع و وضعیت فرد ..... ۳۱۵
- ۴-۱۴-۲-۱۵. اماره حسن شهرت ..... ۳۱۵
- ۵-۱۴-۲-۱۵. اماره سکوت یا اظهار ..... ۳۱۶
- ۱۵-۲-۱۵. امارات قضایی مرتبط با معامله به قصد فرار از دین یا معامله  
صوری ..... ۳۱۷
- ۱۶-۲-۱۵. اماره مدیونیت ..... ۳۱۸
- ۱۷-۲-۱۵. تعارض اماره فراش و نتایج آزمایش‌های ژنتیکی ..... ۳۱۹

- ۱۵-۲-۱۸. اماره رضایت موجر بر تغییر شغل ..... ۳۱۹
- ۱۵-۲-۱۹. اماره صوری بودن عقد بیع ..... ۳۲۰
- ۱۵-۲-۲۰. اماره سکوت مالک بر تصرفات متصرف ..... ۳۲۰
- ۱۵-۲-۲۱. اماره پرداخت نفقه در صورت زندگی مشترک ..... ۳۲۰
- ۱۵-۲-۲۲. اماره اثبات اقاله بیع ..... ۳۲۱
- ۱۵-۲-۲۳. نقش اماره تصرف در دعوی اعتراض ثالث اجرایی ..... ۳۲۱
- ۱۵-۳. جایگاه علم قاضی به عنوان یکی از ادله در امور حقوقی ..... ۳۲۱

۱۶. اصل ..... ۳۲۴

منابع ..... ۳۲۵

## ۱. مقدمه

در این جلد به مدیریت جلسه دادرسی و دلایل اثبات دعوا پرداخته خواهد شد؛ همانطور که در جلد‌های قبل از کتاب دستیار دادگاه حقوقی اشاره شد، قانونگذار، حقوقی برای طرفین دعوا فرض نموده است که برخی از این حقوق تا اولین جلسه دادرسی و برخی دیگر تا پایان جلسه اول دادرسی وجود دارد و اگر اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی حضور پیدا نکرده و لایحه مربوط به اعمال این حقوق را به دادگاه ارسال نکنند، این حقوق را از دست خواهند داد. قاضی رسیدگی کننده باید وفق جلد‌های ۶ و ۷ کتاب دستیار دادگاه حقوقی، حقوق اصحاب دعوا را رعایت نماید و همچنین می‌بایست در جلسه رسیدگی بر اساس دعوایی که خواهان مطرح نموده، ارکان آن دعوا را احراز نماید که این ارکان به صورت مفصل در کتاب همیار دادگاه حقوقی اشاره شده است و طبق ارکان دعوا می‌بایست سوال‌هایی را از خواهان و خوانده پرسیده و سپس تصمیم‌گیری نماید که در این مجلد در خصوص چگونگی اخذ اظهارات اصحاب دعوا در جلسه دادرسی و چگونگی رسیدگی به دلایل طرفین که در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی و دیگر موادی که در قانون فوق‌الذکر آمده است به تفصیل اشاره می‌شود.

## ۲. مدیریت جلسه دادرسی

طبق رویه‌ای که بین محاکم حقوقی مشاهده می‌شود، برای دعاوی حقوقی، وقت رسیدگی با مدت نیم ساعت یا یک ساعت تعیین می‌گردد که قاضی حقوقی در بازه زمانی فوق‌الذکر می‌بایست اظهارات اصحاب دعوا را اخذ نماید و برای جلوگیری از اطاله دادرسی و منفی نشدن آمار شعبه، قاضی می‌بایست جلسه را با مدیریت زمان برگزار نماید. برای اینکه جلسه به نحو صحیح و قانونی، بدون تضییع حقوق اصحاب دعوا مدیریت گردد به نکاتی به شرح ذیل اشاره می‌شود:

**اولاً:** قاضی رسیدگی کننده سعی نماید که اوقات رسیدگی را خودش تعیین کند. بدین توضیح که هنگامی که پرونده از ناحیه دفتر، جهت تعیین وقت رسیدگی به ایشان تحویل داده می‌شود، موضوع دعوا را ملاحظه و با توجه به آن، مدت زمان وقت رسیدگی را تعیین نماید. به عنوان مثال در دعوی اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از پرداخت محکوم به که رسیدگی به دعوا پیچیدگی خاصی ندارد، وقت رسیدگی نیم ساعته را تعیین نماید و در رسیدگی به پرونده‌هایی که پیچیدگی خاص خود را دارد به عنوان مثال در دعوی اثبات وقوع بیع که نیاز به اخذ اظهارات شهود بوده، وقت رسیدگی یک ساعته تعیین شود که در این گونه موارد، قاضی می‌تواند در گوشه پرونده یا در روی پرونده یا اینکه در برگه جداگانه به دفتر تذکر دهد که وقت رسیدگی نیم ساعت یا یک ساعت یا بیشتر تعیین گردد، که اگر چنین موضوعی از سوی قاضی اعمال شود، می‌تواند جلسه رسیدگی را به نحو صحیح و کامل برگزار نماید.

**ثانیاً:** نکته دیگری که قاضی رسیدگی کننده می‌بایست دقت نماید این است که اظهارات اصحاب دعوا را بر اساس ارکان دعوا اخذ کند؛ بدین توضیح که در دعوی الزام به تنظیم سند، ارکان دعوا ۱. وجود قرارداد معتبر ۲. نقض تعهد می‌باشد که قاضی در جلسه رسیدگی از خواهان سوال می‌پرسد که آیا قرارداد معتبری دارد یا خیر؟ و در خصوص چگونگی نقض تعهد از سوی خواننده نیز توضیحات را اخذ می‌نماید و بعد از اخذ اظهارات خواهان، از خواننده نیز در خصوص ارکان دعوا توضیحات را اخذ می‌نماید. بعد از درج اظهارات اصحاب دعوا در صورتجلسه دادرسی، در صورت صلاحدید قاضی، اظهارات شفاهی نیز اخذ و در صورتی که وفق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی درج اظهارات لازم باشد به صورت کتبی در صورتجلسه نیز نوشته خواهد شد. لازم به ذکر است در این خصوص اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی حقوقی دارند که در مجله‌های ۶ و ۷ به آن اشاره شده است و قاضی می‌بایست به این حقوق، دقت نماید.

**ثالثاً:** نکته دیگر این است که گاهی از اوقات، اظهارات خواهان اخذ و در ادامه، اظهارات خوانده نیز اخذ می‌شود و خواهان بیان می‌دارد که در خصوص اظهارات خوانده، مطالبی دارد و قاضی مدت زمان رسیدگی را پایان یافته می‌داند، در چنین صورتی قاضی رسیدگی کننده می‌تواند دو راه حل را انتخاب نماید؛ راه حل اول: وقت رسیدگی دیگری در ادامه جلسه اول دادرسی تعیین نماید؛ راه حل دوم: به صورت شفاهی به خواهان اشاره نماید که می‌تواند ظرف مدت معینی، مثلاً ۱۰ روز لایحه خود را در خصوص اظهارات خوانده تقدیم کند که اگر خواهان لایحه خود را بر همین اساس، تقدیم کند، قاضی می‌تواند در صورت لزوم و در راستای اصل تناظر، به خوانده ابلاغ نماید که ظرف مهلت معین، ضمن مراجعه به شعبه و رؤیت اظهارات خواهان، لایحه خود را در این خصوص تقدیم نماید. در رابطه با اینکه کدام راه حل مناسب است باید گفت، راه حل اول در صورتی مناسب می‌باشد که وقت رسیدگی برای این موضوع، کوتاه بوده و امکان بررسی ارکان دعوا و حقوق اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی به صورت کامل برای قاضی رسیدگی کننده وجود نداشته باشد؛ در این صورت، وقت دیگری در راستای ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی که ادامه جلسه اول دادرسی می‌باشد، تعیین می‌گردد. (لازم به ذکر است در دستور قاضی برای تعیین وقت رسیدگی دیگر، می‌بایست علت تعیین وقت ذکر گردد؛ چرا که در ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی به این موضوع اشاره شده است). اما اگر اظهارات اصحاب دعوا و ارکان دعوا و حقوق اصحاب دعوا را در جلسه اول دادرسی و در مدت زمان تعیین شده در صورت مجلس درج نموده باشد، پیشنهاد می‌شود از راه حل دوم استفاده گردد و وقت رسیدگی دیگری تعیین نشود و پرونده در وقت احتیاطی، قرار گرفته و اظهارات خواهان را طی لایحه ای اخذ و در صورت لزوم در راستای اصل تناظر، اظهارات خوانده را نیز طی لایحه ای اخذ نماید.

**رابعاً:** نکته دیگری که می‌بایست توجه شود این است که اصل "کتبی بودن تحقیقات مقدماتی" در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده که قاضی

می‌بایست کلیه اظهارات اصحاب دعوا را اخذ نماید؛ اما در قانون آیین دادرسی مدنی چنین اصلی وجود ندارد و قاضی فقط در مواردی خاص، موظف است که اظهارات اصحاب دعوا را درج نماید که در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره شده است.

**خامساً:** نکته دیگری که قاضی می‌بایست رعایت نماید این است که همزمان با تعیین وقت رسیدگی، استعلاماتی را در خصوص موضوع دعوا، حسب مورد از ادارات دولتی یا غیره اخذ نماید. به عنوان مثال در دعوی خلع ید هم زمان با دستور تعیین وقت رسیدگی از اداره ثبت اسناد و املاک استعلام می‌نماید که مالک پلاک ثبتی، چه شخصی می‌باشد و اگر خواهان، مالک پلاک ثبتی موضوع دعوا نباشد با توجه به اینکه مالکیت خواهان، جزء ارکان دعوی خلع ید می‌باشد و چنین مالکیتی برای دادگاه احراز نشده، قاضی مبادرت به صدور رای می‌نماید.

**سادساً:** قاضی رسیدگی کننده برای مدیریت جلسه اول دادرسی بهتر است که ابتدا ایرادات شکلی را از اصحاب دعوا استماع نموده و سپس حقوق اصحاب دعوا در جلسه اول دادرسی را رعایت نموده و در ادامه در صورت لزوم و عدم وجود ایرادات شکلی، اظهارات اصحاب دعوا را در خصوص ارکان دعوا اخذ نماید.

**سابعاً:** همانطور که در روایات معصومین (ع) به این موضوع اشاره شده است، قاضی رسیدگی کننده می‌بایست در جلسه دادرسی از هرگونه اظهار نظر در خصوص دعوا اعم از اینکه به نفع خواهان باشد یا خوانده، خودداری نماید و از به کار بردن عباراتی که ممکن است قاضی رسیدگی کننده را از رعایت عدالت خارج نماید یا ذهن اصحاب دعوا را به این سمت یاری دهد خودداری کند.

### ۳. حالت‌هایی که ممکن است در جلسه اول دادرسی حادث گردد

#### ۳-۱. پرونده معد صدور رأی شود

قاضی ممکن است بعد از استماع اظهارات طرفین، پرونده را معد صدور رأی بداند؛ بدین توضیح که خواسته خواهان، مطابق قانون طرح نشده باشد که در جلد ۵ کتاب دستیار دادگاه حقوقی به این موارد به صورت مفصل اشاره شد. یا ممکن است پرونده به این دلیل معد صدور رأی گردد که بعد از رسیدگی به دلایل طرفین در جلسه اول دادرسی، مشخص شود که حکم به نفع خواهان یا به ضرر خواهان است که قاضی، حسب مورد، حکم به بطلان یا بی حقی یا ... صادر می‌نماید؛ به عنوان مثال خواهان دادخواست مطالبه وجه یک فقره چک به مبلغ ۳۰ میلیون تومان را مطرح نموده است و خوانده در جلسه اول دادرسی، چک مورد استنادی خواهان را قبول نموده و اظهار داشته که توانایی پرداخت را ندارد و به همین دلیل، چک را پرداخت ننموده است. قاضی در چنین صورتی به استناد یک فقره چک که مصون از ادعای انکار، تردید و جعل مانده است و خوانده دلیلی بر پرداخت چک ارائه ننموده، حکم به نفع خواهان صادر می‌نماید. به عنوان مثالی دیگر خواهان، دادخواست خلع ید را مطرح نموده و قاضی در جلسه دادرسی با ملاحظه استعلام که از اداره ثبت اسناد و املاک واصل شده است مشخص می‌شود خواهان، وفق ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک، مالک رسمی نبوده است؛ در چنین صورتی نیز بعد از اتمام جلسه دادرسی، حکم به ضرر خواهان صادر می‌نماید. به عنوان مثالی دیگر، خواهان دادخواست مطالبه وجه به استناد یک فقره فاکتور به مبلغ ۴۰ میلیون تومان به طرفیت خوانده مطرح می‌نماید و خوانده در جلسه اول دادرسی، رسیدی ارائه می‌دهد که قبل از جلسه، مبلغ ۴۰ میلیون تومان را پرداخت کرده و خواهان نیز به این موضوع اقرار می‌نماید که مبلغ را دریافت نموده است؛ در چنین صورتی نیز حکم بر بی حقی خواهان صادر می‌شود.

### ۲-۳. پرونده معد صدور رأی نشود

#### ۱-۲-۳. پرونده منجر به صدور قرار توقف دادرسی شود

گاهی از اوقات، قاضی رسیدگی کننده بعد از اخذ اظهارات طرفین، متوجه می‌شود که رسیدگی به این دعوا منوط به اثبات ادعایی می‌باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است؛ در چنین صورتی، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت دار متوقف می‌شود. بدین توضیح که مثلاً خواهان، دعوای مطالبه وجه به استناد یک فقره چک را مطرح نموده و خواننده ادعا می‌کند در خصوص چک مذکور، شکایت خیانت در امانت، جعل یا غیره را مطرح نموده است که در محاکم کیفری در حال رسیدگی است. در چنین صورتی، دادگاه بعد از احراز صحت اظهارات خواننده، قرار توقف صادر تا نتیجه پرونده کیفری مشخص شود. البته در این خصوص، اختلاف نظر بوده و به دو نظریه مشورتی به شرح ذیل اشاره می‌شود:

الف) نظریه مشورتی شماره ۷/۳۵۳۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۰۵

ادعای خواننده مبنی بر طرح شکایت کیفری، تحت عنوان خیانت در امانت یا سرقت یا رباخواری و یا ... در خصوص چک‌های موضوع پرونده حقوقی، موجب توقف رسیدگی در دادگاه نبوده و موضوع منصرف از ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی است و دادگاه باید به رسیدگی خود ادامه داده و با توجه به دلایل و مدارک پرونده حقوقی، مبادرت به صدور رأی نماید و مجاز به صدور قرار توقف رسیدگی نمی‌باشد. بدیهی است اگر در جریان رسیدگی و قبل از صدور حکم دادگاه حقوقی، رأی قطعی کیفری موثر در امر حقوقی صادر گردد، این رأی برای دادگاه حقوقی، متبع خواهد بود.

ب) نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۰۵/۱۷

دادگاه وفق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، رسیدگی به دعوای مطروحه را متوقف می‌نماید (قرار توقف رسیدگی)، یا



اینکه ممکن است در جلسه دادرسی برای دادگاه مشخص شود که احدی از اصحاب دعوا در جریان دادرسی فوت نموده است، یا اینکه محجور شده است یا سمت یکی از آنها که به موجب آن سمت در دادرسی داخل شده، زائل گردیده است؛ در چنین صورتی نیز وفق ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار توقف دادرسی صادر می شود که در ادامه به دو نمونه قرار توقف دادرسی اشاره می شود:

نمونه قرار اول:

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ در وقت فوق العاده، جلسه شعبه .... دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان .... به تصدی اینجانب امضاء کننده ذیل تشکیل شده است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است، دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید:

#### قرار توقیف رسیدگی

در خصوص دادخواست خواهان آقای ..... به طرفیت خوانده خانم..... به خواسته مطالبه وجه چک، نظر به اینکه خوانده در جلسه رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۳ ادعای سرقت نسبت به چک مورد تنازع نموده است و طی لایحه ای موجود در صفحه ۴۱ پرونده بیان نموده پرونده کیفری اینجانبه مبنی بر سرقت چک های بنده، مفتوح و در حال رسیدگی می باشد. با توجه به اظهارات بنده و گزارش پلیس ۱۱۰ چکی که در ید نامبرده (آقای.....) می باشد، از جمله چک های مسروقه بوده و بنده هیچ گونه رابطه حقوقی با ایشان نداشته و ندارم در ضمن از ایشان شاکی بوده که چک را از چه طریقی تحصیل کرده اند و تقاضای رسیدگی نیز دارم. پرونده اینجانبه در شعبه..... بازپرسی و شعبه دادگاه..... عمومی با کلاسه بایگانی پرونده..... تحت رسیدگی قرار دارد. بنابراین با توجه به ازدحام و شلوغی پرونده ها و رسیدگی بیشتر به این موضوع، پرونده هنوز منجر به صدور تصمیم و یا حکم نشده است و اینجانب به دلیل ممنوعیت تردد شهری و ورود و خروج و شیوع بیماری کرونا قادر به حضور نمی باشم. بنابراین از این طریق نتیجه را خدمت شما ارسال می نمایم.

این دادگاه نظر به اینکه رسیدگی به دعوی مطالبه چک، منوط به تعیین تکلیف پرونده کیفری می‌باشد و نظریه شماره ۸/۵۰۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۰۵/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «دادگاه وفق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، رسیدگی به دعوی مطروحه را متوقف می‌نماید (قرار توقف دادرسی)» نیز موید استدلال فوق الذکر می‌باشد بنابراین با وحدت ملاک از ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار توقف صادر تا نتیجه پرونده کیفری مشخص گردد. قرار صادره قطعی است.

### نمونه قرار دوم

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ در وقت فوق العاده، جلسه شعبه..... دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان کرمانشاه..... به تصدی اینجانب امضاءکننده ذیل تشکیل شده است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است، دادگاه با توجه به جامع اوراق و محتویات پرونده، ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید:

### قرار توقف دادرسی در تقسیم ترکه

در خصوص دعوی مطروحه از ناحیه آقای..... به طرفیت خواندگان..... دائر به خواسته تقسیم ترکه مرحومه..... مشتمل بر چهار و نیم دانگ یک باب ساختمان مسکونی و در صورت عدم قابلیت تقسیم، فروش ماترک به شرح ستون خواسته و متن دادخواست تقدیمی، با التفات به جامع اوراق و محتویات پرونده، نظر به اینکه متعاقب ادعای مالکیت احد از خواندگان..... بر چهار و نیم دانگ منزل مسکونی و ارائه مبایعه نامه عادی در خصوص ابتیاع آن، وکیل خواهان ادعای باطل بودن این مبایعه نامه را نموده که چنین ادعایی، مستلزم اقامه دعوی علی حده و صدور حکم مقتضی می‌باشد مع الوصف از آنجا که تعیین تکلیف مبایعه نامه پیش گفته در تصمیم نهایی این دادگاه در پرونده امر موثر است و به نوعی رسیدگی به دعوی خواهان در پرونده امر، منوط و موکول به اتخاذ تصمیم نهایی پیرامون قرارداد پیش گفته است بنابراین دادگاه به استناد مقررات ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار توقف دادرسی (اناطه) صادر و اعلام می‌نماید و رسیدگی به دعوی حاضر تا اقامه دعوی در خصوص مبایعه نامه ارائه شده در خصوص منزل

مسکونی موردنظر و اتخاذ تصمیم نهایی در خصوص آن، متوقف می‌گردد. قرار صادره قطعی است.

### ۲-۲-۳. پرونده منجر به صدور قرار اناطه شود

به موجب ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت دار متوقف می‌شود. در این مورد خواهان ملکف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح، اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید. در غیر این صورت، قرار رد دعوا صادر می‌شود که با توجه به ماده فوق الذکر به یک مثال به شرح ذیل اشاره می‌گردد؛ بدین توضیح که اگر خواهان، دادخواستی را با عنوان مطالبه خسارت به طرفیت فرمانداری مطرح نماید و دادگاه در جلسه اول دادرسی از خواهان سؤال کند که آیا تقصیر فرمانداری را در دیوان عدالت اداری ثابت نموده اید یا خیر؟ خواهان اظهار دارد خیر، هنوز دادخواستی را با این عنوان در دیوان عدالت اداری مطرح ننموده‌ام؛ در چنین صورتی دادگاه چون دعوای مطالبه خسارت علیه ارگان دولتی منوط به اثبات تقصیر دولت در دیوان عدالت اداری می‌باشد، به خواهان فرصت می‌دهد که ظرف یک ماه در دادگاه صالح (دیوان عدالت اداری) اقامه دعوا نماید و رسید آن را به دفتر دادگاه ارائه دهد. در چنین صورتی دادگاه به خواهان ابلاغ می‌نماید در مرجع صالح که دیوان عدالت اداری می‌باشد دعوای خود را مطرح نماید و قرار اناطه صادر و در ذیل قرار اناطه به این مطلب نیز اشاره می‌نماید که خواهان ظرف یک ماه اقامه دعوا نماید. حال اگر خواهان در ظرف این یک ماه، رسید را که در دادگاه صالح اقامه دعوا نموده است، ارائه ننماید، دادگاه قرار رد دعوا را صادر می‌نماید که در این خصوص به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌کنیم:

موضوع: صدور قرار اناطه در امور حقوقی  
 پرسش: آیا قرار اناطه در امور حقوقی طبق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری متصور است؟ به طور مثال، در دعوی تقسیم ترکه مال غیرمنقول، اختلاف در مالکیت ایجاد می‌شود، آیا بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی، همان دادگاه می‌تواند به موضوع رسیدگی نماید یا دادگاه باید ابتدا طبق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار اناطه صادر کند و سپس به اصل موضوع رسیدگی نماید؟<sup>۱</sup>

#### نظر هیئت عالی

با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب، در دعوی حقوقی مطلبی تحت عنوان اناطه وجود ندارد، لکن وفق ماده ۱۹ قانون مزبور: «هرگاه رسیدگی به دعوا، منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود. در این مورد خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را (رسید تقدیم دادخواست) به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم کند؛ در غیر این صورت، قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح، مجدداً اقامه دعوا نماید. فی المثل، زنی به ادعای وجود رابطه زوجیت، علیه مردی به خواسته مطالبه نفقه ایام گذشته، اقامه دعوا کرده و خوانده، اساساً منکر وجود رابطه زوجیت فی مابین خود و خواهان است؛ در این صورت خواهان باید ظرف مدت یک ماه به منظور اثبات وجود علقه زوجیت فی مابین خود و خوانده، دعوی اثبات زوجیت در دادگاه خانواده اقامه کند و رسید آن را به دادگاه رسیدگی کننده به دعوی مطالبه نفقه تسلیم کند و دادگاه مزبور، قرار توقف دادرسی را تا وصول نتیجه نهایی در باب ادعای زوجیت صادر می‌نماید. بدیهی است در صورتی که در

۱. صورتجلسه نشست قضایی استان کرمان / شهر بم، مورخ ۱۳۸۱/۰۵/۱۳.

دعوای حقوقی مطالبه نفقه به شرح فوق از ناحیه خواهان، دادخواستی به منظور اثبات زوجیت به دادگاه خانواده تقدیم نشود و رسید تقدیم دادخواست به دادگاه رسیدگی کننده به امر مطالبه نفقه تسلیم نشود، دادگاه اخیرالذکر به صدور قرار رد دعوا خواهان مبادرت خواهد نمود و خواهان پس از اثبات وجود رابطه زوجیت در دادگاه خانواده به موجب حکم قطعی می تواند مجدداً به خواسته مطالبه نفقه اقامه دعوا کند.

#### نظر اکثریت

قرار اناطه مذکور در ماده ۱۳ الهام گرفته از ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق بوده که در آن، فقط اناطه امر جزایی به حقوقی مطرح شده از طرفی طبق رأی وحدت رویه مصوب ۶۹ فقط در مورد اموال غیرمنقول، جاری است و شامل اموال منقول نمی شود.

#### نظر اقلیت

ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب، بعد از قانون مذکور و به صورت عام مطرح شده و شامل قرار اناطه از کیفری به حقوقی می شود و موضوع ماده ۱۹ نیز در خصوص موردی است که دادگاه، صلاحیت ذاتی رسیدگی به موضوع دعوا را نداشته باشد.

موضوع: صدور قرار اناطه در امر حقوقی  
پرسش: اولاً: آیا صدور قرار اناطه در امر حقوقی جایز است؟ ثانیاً: در صورت مثبت بودن پاسخ، شرایط آن چیست؟ ثالثاً: در دعوای مطالبه خسارت (ضرر و زیان) بدون طرح عنوان موضوعات ممانعت از حق و تخریب در ضمن دادخواست همان دعوا، آیا ضروری است که دادگاه، قرار اناطه با فرض پذیرش سوال اول صادر نماید و خواهان را به طرح شکایت کیفری راهنمایی نماید یا می بایست اقدام دیگری معمول دارد و اقدام اخیر چه می تواند باشد؟<sup>۱</sup>

۱. صورتجلسه نشست قضایی استان اصفهان/ شهر گلپایگان، مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۹.

### ۷. وظیفه ارائه دلیل برعهده خواهان یا خوانده

هنگامی که خواهان، دادخواستی مبنی بر مطالبه وجه به مبلغ صد میلیون تومان به طرفیت خوانده مطرح می‌نماید اگر در جلسه اول دادرسی، خوانده منکر ادعای خواهان گردد این سوال مطرح می‌شود که ارائه دلیل در خصوص موضوع معنونه آیا بر عهده خواهان می‌باشد یا خوانده در این خصوص، قاعده فقهی مشهوری وجود دارد که مورد عمل رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و قضات اسلامی در طی اعصار و قرون بوده است؛ قاعده «الینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر» می‌باشد. گاهی منطوق این قاعده و بیشتر مضمون آن در روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده است، ولی تتبع انجام شده نشان می‌دهد که این جمله از تأسیسات اسلامی نمی‌باشد، بلکه روش رایج عقلایی قبل از اسلام بوده و مورد امضای اسلام قرار گرفته است.

حال در خصوص این مطلب که قاضی دادگاه، مدعی و منکر را چگونه تشخیص دهد و خواهان، چه زمانی مدعی می‌باشد و چه زمانی منکر، به سه روش می‌توان چنین امری را تشخیص داد:

#### ۱. المدعی هو الذی یترک لو ترک الخصومه

مدعی کسی است که وجود عین یا دینی را بر طرف مقابل، ادعا می‌نماید و از دادگاه الزام او را به خواسته خویش می‌خواهد و مدعی علیه، در مقابل او است، دعوا را رد نموده، اشتغال ذمه خویش را به خواسته مدعی منکر می‌گردد.

انکار منکر در برابر ادعای مدعی از قبیل قبول در برابر ایجاب است (چنانچه قبول متأخر و متفرع بر ایجاب است) انکار نیز رتبتاً متأخر از ادعا و متفرع بر دعوی است. بنابراین منکر بودن شخص، متفرع بر وجود مدعی است که چیزی را علیه او ادعا نماید. پس اگر مدعی، دست از ادعای خویش بردارد، دیگر نه مدعی در بین خواهد بود و نه منکر. مقصود فقها از تعریف مدعی به «لو ترک ترک» همین است. این تعریف از مدعی، با آنچه که عرف از آن می‌فهمد موافق است.

ممکن است اشکال شود که این تعریف در مورد تداعی صادق نیست؛ زیرا در تداعی، همواره با ترک دعوا از سوی مدعی، منازعه خاتمه نمی‌یابد. پاسخ این است که در تداعی، فی الواقع، دو دعوی مطرح است. در یکی شخص، مدعی و طرف مقابل منکر است و در دعوی دیگر عکس آن است؛ یعنی منکر دعوی اول، در این دعوی مدعی است و مدعی دعوی اول، منکر است. در چنین حالتی در خصوص هر یک از دعاوی، اگر مدعی، ترک دعوا نماید، کسی متعرض او نخواهد شد. اما در خصوص دعوی طرف مقابل، ترک دعوا سبب خلاصی وی نمی‌گردد؛ زیرا در این دعوا او منکر است نه مدعی. مثلاً اگر «الف» مدعی گردد که «ب» به او مدیون است و «ب» نیز مدعی گردد که «الف» مال او را غصب کرده است و تقاضای استرداد مال خویش را بنماید، در این وضعیت اگر «الف» از دعوی خویش در خصوص دین منصرف شود، در آن دعوی کسی متعرض او نخواهد شد؛ اما در خصوص دعوی غصب که او منکر بوده است، ترک دعوی او تأثیری نخواهد داشت و بسا متعرض او خواهد بود. زیرا در این دعوا «ب» مدعی است و «الف» منکر است (سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ هـ.ق، چاپ دوازدهم، ج ۴، ص ۱۰۶).

## ۲. المدعی هو من قوله مخالف للحجه

مطابق این تعریف کسی که قول او با حجت فعلیه مخالف باشد، مدعی است، گرچه قولش با حجت غیر فعلیه، مثلاً با «أصل»، موافق باشد. مانند آن که شخصی ادعا نماید گوشتی که در بازار است مطابق با شرع ذبح (تذکیه) نشده است و در نتیجه مدعی فساد معامله با فروشنده آن گردد، این شخص اگر چه قولش با اصل عدم (اصالة عدم التذکيه) یا استصحاب عدم اذلی (تذکیه) موافق است، مع ذلك، مدعی است. زیرا بازار، بازار مسلمین است و بودن گوشت در سوق المسلمین، اماره بر ذبح شرعی (تذکیه) است و با وجود اماره، دیگر تعبداً موضوعی برای اجرای اصل باقی نمی‌ماند؛ به عبارت دیگر اماره حاکم بر اصل است، یعنی این اماره، سوق است که حجت فعلی می‌باشد نه اصل عدم تذکیه.

### ۸. قاعده منع تحصیل دلیل

خواهان، دادخواستی به عنوان خلع ید یک باب منزل مسکونی به طرفیت خوانده مطرح می‌نماید و در جلسه اول دادرسی، خوانده در مقام دفاع، بیان می‌دارد که در منزل مسکونی تصرف ندارد. قاضی دادگاه در خصوص ارکان دعوی خلع ید که مالکیت خواهان و تصرف خوانده و عدوانی بودن باشد، به خواهان در جلسه دادرسی ابلاغ می‌کند که آیا برای احراز رکن دوم که تصرف خوانده باشد، دلیلی دارید یا خیر؟ و خواهان در مقام دفاع بیان می‌دارد که با توجه به اینکه همسایه‌ها با خوانده رابطه نسبی و سببی دارند حاضر به ادای شهادت نمی‌باشند. در چنین صورتی، آیا قاضی دادگاه می‌تواند خود تحقیقات یا اقداماتی را برای کشف حقیقت انجام دهد یا خیر؟ در این خصوص ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد که در کلیه امور حقوقی، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد. در این خصوص برخی از قضات به ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، استناد می‌نمایند و بیان می‌دارند که قاضی دادگاه می‌تواند تحقیقات مقتضی را جهت کشف حقیقت انجام دهد که در این خصوص به شرح ذیل به نظریات مشورتی قوه قضائیه و آرای قضات در این خصوص و نشست قضایی اشاره می‌شود:

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۸۱۱۹۴

با لحاظ و اطلاق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ کلیه اقداماتی که برای کشف واقع و احراز حقیقت به نظر دادگاه موثر واقع شود، مثل تحقیق محلی و معاینه محل یا جلب نظر کارشناس هرچند که اصحاب دعوا به آنها استناد نکرده باشند، دادگاه می‌تواند راساً آنها را اجرا نماید. گرچه عمل دادگاهها به نظر، تحصیل دلیل به شمار می‌رود ولی چون به منظور احراز واقع و کشف حقیقت انجام شده، نه به جهت حمایت از اصحاب دعوا، بنابراین خروج قاضی از بی طرفی تلقی نمی‌گردد. به علاوه به صراحت ماده ۱۹۹ قانون فوق الاشعار، قاضی در کلیه امور حقوقی، برای کشف حقیقت برای هرگونه تحقیق و اقدامی مجاز شناخته شده است.



نظریه شماره ۱۳۹۴/۰۳/۱۶-۷/۹۴/۶۵۶

در صورت اختلاف در اصل تهیه یا عدم تهیه مقدمات تمکین از جمله مسکن و اثاث البیت، دادگاه با تجویز حاصل از ماده ۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ نسبت به انجام هرگونه تحقیق و اقدام لازم از جمله استفاده از مددکار اجتماعی، اقدام می‌کند. در فرضی که اختلاف در تناسب یا عدم تناسب مسکن و اثاث البیت تهیه شده با شئونات زوجه مطرح باشد که بخشی از نفقه موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی است، با توجه به تخصصی بودن موضوع، دادگاه نسبت به جلب نظر کارشناس اقدام می‌کند.

نظریه شماره ۱۳۹۴/۲/۲۰-۷/۹۴/۴۴۰ مورخ

اثبات نسب در زمره دعاوی حقوقی است و بنابراین بار اثبات آن به عهده خواهان است و بنابراین خوانده دعوا را نمی‌توان مجبور به انجام تست و یا حضور در دادگاه نمود و با اوصاف مذکور، دستور جلب خوانده در پرونده حقوقی، برخلاف اصول و مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ است که به منظور کشف حقیقت می‌باشد و در حدودی باید اعمال گردد که به حقوق اشخاص لطمه ای وارد ننماید و الزام و اجبار خوانده به مراجعه پزشک و انجام معاینه پزشکی در خصوص فرض سوال برخلاف آزادی شخصی افراد و به نظر، مغایر با موازین می‌باشد.

موضوع: اختیارات دادگاه در رسیدگی به دلایل احصاء شده از سوی شاکی در دعای حقوقی

پرسش: چنانچه شخصی، دادخواست حقوقی تقدیم دادگاه نماید و دلایل مثبت خود را منحصر در اخذ شهادت شهود و رونوشت اسناد قرار دهد، آیا دادگاه این اختیار را دارد که علاوه بر دلایل مزبور، راساً اقدام به تحقیقات نماید؟ به عبارت دیگر آیا دادگاه موظف است در حدود دلایل احصاء شده از سوی خواهان، تحقیق نماید یا منحصر به آن دلایل نمی‌باشد و می‌تواند هر تحقیقی که برای کشف حقیقت لازم باشد را انجام دهد؟<sup>۱</sup>

#### نظر هیئت عالی

مطابق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه با حفظ اصل بی‌طرفی نسبت به اصحاب دعوی، علاوه بر رسیدگی به دلایل ابرازی طرفین، هرگونه تحقیقی که در جهت کشف حقیقت لازم باشد می‌تواند انجام دهد؛ زیرا قاضی نسبت به حق، بی‌طرف نیست و این به معنای خروج از بی‌طرفی محسوب نمی‌شود.

#### نظر اکثریت

دادگاه در صورتی که مقتضی بدانند این اختیار را دارد که وارد رسیدگی به سایر دلایل گردد. مثبت این ادعا، ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی در مبحث گواهی می‌باشد که این اختیار را به قاضی داده است که اگر مقتضی بدانند، گواهان را احضار نماید. از طرفی همانند پرونده‌های کیفری که مراجع کیفری هر تحقیقی لازم بدانند انجام می‌دهند، در دادگاه حقوقی هم این امر بلامانع است. البته این امر نباید باعث خدشه به اصل بی‌طرفی قاضی و منع تحصیل دلیل گردد.

#### نظر ابرازی

دادگاه در حدود دلایلی که خواهان قید کرده، ملزم به رسیدگی است و اگر دلایلی را خواهان ذکر نکرده باشد، دادگاه مکلف و مختار به ورود نمی‌باشد.

۱. برگزار شده توسط استان اصفهان / شهر دهقان، تاریخ برگزاری ۱۳۹۷/۰۳/۱.

۱- در غیر مواردی که دلیل، شرعاً حجیت دارد، قاضی می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت ضرورت دارد انجام دهد. بنابه مراتب فوق، دادگاه حقوقی می‌تواند راساً نسبت به صدور قرار تحقیق، معاینه محل و کارشناسی و یا انجام مواجهه حضوری اقدام نماید.

۲- احکام تعارض علم قاضی با ادله دیگر مذکور در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی در امور حقوقی نیز مورد استفاده است.

۳- در فرضی که خواهان با طرح دعوی ابطال سند رسمی انتقال، مدعی است ملک متنازع فیه را پیش از خوانده، خریداری کرده است، الزامی به طرح دعوی مستقل مبنی بر اثبات وقوع بیع قبل از خوانده دعوا ندارد و این ادعا در جریان رسیدگی به دعوی ابطال سند و به عنوان مقدمه این دعوا قابلیت رسیدگی دارد.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره: ۱۳۳۹/۹۸/۷ مورخ

۱۳۹۸/۱۲/۱

۳- آیا قضاوت در محاکم حقوقی، راساً و بدون آنکه طرفین در دادخواست به عنوان دلیل در پرونده استناد نموده باشند، به تجویز ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، امکان تحقیق و معاینه محل و مواجهه حضوری و کارشناسی را دارند و آیا این عمل، تحصیل دلیل محسوب نمی‌شود؟

۴- ماهیت تحقیق محلی چیست؟ آیا نوعی اماره بوده و در علم قاضی موثر است؟ همان طور که مستحضرید در امور حقوقی، علم قاضی به عنوان دلیل محسوب نمی‌شود و صرفاً به عنوان اماره است؛ حال چنانچه قاضی حقوقی در پرونده با توجه به معاینه محل و کارشناسی یا مثلاً نظریه پزشکی قانونی، علم به محق بودن خواهان پیدا نماید ولیکن شهود و بینه شرعی برخلاف آن اقامه شده باشد به نحوی که امکان جرح یا تعارض در اظهارات شهود هم نباشد، تکلیف چیست؟

۵- در دعوی ابطال سند رسمی مالکیت که خواهان مدعی است انتقال دهنده ملک، قبل از انتقال به ثالث، ملک را با سند عادی به وی با صلح یا هبه یا بیع منتقل

نموده است، آیا باید خواهان ابتدا دعوی اثبات وقوع بیع یا هبه یا صلح را اقامه نماید و سپس دعوی ابطال سند رسمی قابلیت استماع داشته باشد؟

پاسخ:

۳- صرفنظر از اینکه، تبیین محدوده و میزان اختیارات و اقدامات محاکم حقوقی و کیفری در راستای کشف حقیقت از حیطة وظایف این اداره کل خارج است و در این باره باید به کتب و مقالات موجود مراجعه شود؛ به طور کلی می‌توان گفت از مفاد مواد ۱۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ و دیگر مقررات که راجع به ادله استفاده می‌شود، در غیر مواردی که دلیل، شرعاً حجیت دارد، قاضی می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت، ضرورت دارد، انجام دهد. بنابه مراتب فوق، دادگاه حقوقی می‌تواند راساً نسبت به صدور قرار تحقیق و معاینه محل و کارشناسی و یا انجام مواجهه حضوری اقدام نماید.

۴- با عنایت به تصریح مقنن در ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ "اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب می‌گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد." ضمناً با عنایت به ماده یادشده و نیز ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی، علم قاضی که بر مبنای اسناد و امارات باشد در امور حقوقی نیز اعتبار دارد. احکام تعارض علم قاضی با دیگر ادله مذکور در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در امور حقوقی نیز مورد استفاده است.

۵- در فرض سؤال که خواهان با طرح دعوی ابطال سند رسمی انتقال، مدعی است ملک متنازع فیه را پیش از خوانده خریداری کرده و انتقال دهنده در زمان انتقال و تنظیم سند رسمی انتقال، مالک مبیع نبوده و سندی که موضوع درخواست ابطال قرار گرفته است، متعاقب بیع فضولی، نسبت به مال وی تنظیم شده است، هرچند رسیدگی و پذیرش دعوی ابطال سند، فرع بر قبول ادعای خواهان مبنی بر تقدم معامله او و مالک اصلی است؛ ولی خواهان، الزامی به طرح دعوی مستقل مبنی

بر اثبات وقوع بیع، قبل از خوانده دعوا ندارد و این ادعا در جریان رسیدگی به دعوی ابطال سند و به عنوان مقدمه این دعوا، قابلیت رسیدگی دارد.

عنوان: قابلیت تحصیل دلیل در امور مدنی

پیام: طرفین دعوا نمی‌توانند اثبات دعوی خود را بر عهده مراجع قضایی (دادگاه تجدیدنظر استان) قرار دهند، زیرا این مراجع، نباید به نفع یکی از طرفین دعوا، تحصیل دلیل نمایند.

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۵۰۰۷۵۱ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۶/۲۲

رأی دادگاه بدوی

در مورد دادخواست خانم س.س. دادخواستی به وکالت از خانم ث.ح. فرزند ه. به طرفیت ۱- خانم س.ح. فرزند ه. ۲- آقای ع.ح. فرزند ر. ۳- آقای ب.ن. فرزند ن. ۴- آقای م.م. فرزند ح. به خواسته صدور حکم مبنی بر ۱- ابطال سند رسمی وکالت شماره ۷۴۴۰ مورخ ۸۶/۱۰/۳۰ و ۲- ابطال معامله طی سند رسمی شماره ۷۴۷۱ مورخ ۸۶/۱۱/۳ با احتساب کلیه خسارات قانونی، دادگاه با ملاحظه پرونده و پاسخ استعلام ثبتی صرف نظر از ماهیت موضوع، نظر به این که مالک اولیه ملک موضوع خواسته شخصی به نام آقای م.خ. بوده که مع الواسطه ملک به خواندگان ردیف‌های سوم و چهارم منتقل شده است و استعلام ثبتی دلالتی بر مالکیت خوانده ردیف دوم نداشته و بر فرض صحت موضوع خواسته، مالک اولیه نیز ذی نفع در مورد بوده و می‌بایست طرف دعوا قرار می‌گرفت و به کیفیت مطرح شده، دعوا قابلیت رسیدگی نداشته به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوا صادر و اعلام می‌دارد؛ قرار صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. رئیس شعبه ۱۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران - حمیدی

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

تجدیدنظرخواهی مطروحه از ناحیه خانم س.س. به وکالت از تجدیدنظر خواه خانم ث.ح. به طرفیت تجدیدنظرخواندگان خانم و آقایان ۱- س.ح. ۲- ع.ح. ۳- ب.ن. و ۴- م.م.و. نسبت به دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره ۰۰۱۰۷ مورخ

### ۱۴-۳-۱۰. نمونه سوالات از شاهد در دعوای نفقه و اعسار از پرداخت محکوم به

۱. نسبت فامیلی خود با خواهان (زوج) پرونده به طور دقیق اعلام و مدت آشنایی را ذکر کنید؟
  ۲. طرفین پرونده چه مدت از هم جدا زندگی کرده و علت اختلاف آن دو چیست؟
  ۳. به درخواست چه کسی شما جهت بازگرداندن خوانده (زوجه) به منزل مشترک مراجعه کردید؟ چه کسی یا چه کسانی همراه شما بودند؟
  ۴. آیا خوانده (زوجه) خود منزل مشترک را ترک کرده یا خواهان (زوج) وی را بیرون کرده است؟
  ۵. شما چند نوبت برای بازگردان خوانده (زوجه) به وی مراجعه کردید و تاریخ آن را قید کنید؟
  ۶. آیا خواهان (زوج) منزل جهت زندگی مشترک را فراهم کرده است؟ شرایط منزل از نظر مستقل و مشترک بودن و نیز شرایط محیطی را توضیح دهید؟
  ۷. آیا خواهان (زوج) مصمم به بازگرداندن خوانده (زوجه) به منزل مشترک است یا خیر؟
  ۸. توضیح دیگری دارید بیان کنید؟
- نمونه سوالات از شاهد در دعوای اعسار از پرداخت محکوم به**
۱. شغل خواهان چیست و محل و میزان درآمد وی را قید نمایید؟
  ۲. لیست اموال منقول و غیرمنقول خواهان شامل خودرو و منزل مسکونی و زمین و... را با قید ارزش ریالی قید نمایید؟
  ۳. میزان بدهی و اطلاعات شما (مانند شریک یا همسایه یا فامیل بودن) از وضعیت اموال و دارایی خواهان چیست؟
  ۴. آیا خواهان منبع درآمد دیگری دارد یا خیر؟
  ۵. توان پرداخت بدهی توسط خواهان در هر ماه چه میزان می‌باشد؟

۶. آیا خواهان اموال خود را در یکسال اخیر به شخص ثالثی منتقل کرده است ؟
۷. هرگونه اطلاعات دیگری در خصوص وضعیت مالی خواهان دارید بیان نمایید؟

#### ۱۴-۴. قرار تحقیق محلی

طبق بند ۴ ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی یکی از ادله اثبات دعوا امارات می باشد. قرار تحقیق محلی و معاینه محلی، زیرمجموعه امارات می باشد که در مواد ۲۴۸ الی ۲۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی به این مطلب اشاره شده است. در ماده ۲۴۸ آمده است دادگاه می تواند راساً یا به درخواست هر یک از اصحاب دعوا قرار معاینه محل را صادر نماید و در ماده ۲۴۹ به قرار تحقیق محلی اشاره شده است. به عنوان مثال خواهان دادخواستی را با عنوان مطالبه خسارت به طرفیت ب مطرح می نماید و بیان می دارد که خواننده دعوا به محصولات کشاورزی ایشان خسارت وارد نموده است و دادگاه جهت احراز صحت و سقم موضوع، راساً یا آنکه به درخواست خود خواهان، قرار معاینه محل را صادر می نماید تا مشخص شود آیا خسارتی به محصول خواهان وارد شده است یا خیر؟ و همزمان می تواند قرار تحقیق محلی را نیز صادر نماید. بدین توضیح که مشخص شود چه کسی این خسارت را به محصولات خواهان وارد نموده است. در ادامه به مباحثی که در این خصوص مطرح می شود اشاره می شود.

#### ۱۴-۴-۱. شکستن قفل به منظور انجام معاینه محل

خواهان ملک خود را به مستاجر که خواننده دعوا بوده اجاره داده و مستاجر به ملک خواهان در مدتی که در اجاره بوده است خسارت وارد نموده است و خواهان دعوای مطالبه خسارت علیه مستاجر که خواننده باشد مطرح می نماید. خواهان قرار معاینه محل را خواستار می باشد و دادگاه قرار معاینه محل را صادر و خواننده دعوا که مستاجر باشد از ورود اشخاص جهت معاینه محل که ملک باشد خودداری می نماید و درب منزل را قفل نموده است. در چنین صورتی آیا شکستن قفل به